

خوانشی نو در معیار رضاع شرعی

مهدی احمدی^۱

مهدی سعادت‌نسیب^۲

چکیده

رضاع در شرع مقدس، در عرض نکاح و نسب، منشأ آثار مختلف و مهمی مانند محرمیت و حرمت ازدواج بوده است. در معیار تحقق رضاع شرعی، عمده فقهای امامیه، با استناد به روایات و یا اجماع، شیر خوردن ده وعده، پانزده وعده و یک شبانه روز و یا برخی از این خصال را در عرض انبات لحم و اشتداد عظم، موجب محرمیت رضاعی دانسته و برخی نیز این خصال یا برخی از آن را آماره بر انبات بیان کرده‌اند. این تحقیق کوشیده است با روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، ابتدا به بیان شواهد تکوینی بودن معیار رضاع و تأثیر آن در تشخیص معیار صحیح پردازد و بدین وسیله از تهافت بین معیارهای رضاع رهایی یابد. سپس با نفی معیار بودن ده رضعه و نیز رفع تعارض روایات ملاک رضاع، قول به معیار اثر انبات و پانزده رضعه و نیز رضاع شبانه‌روز را در عرض هم ترجیح دهد. به علاوه، تعلیل صحیحه علی بن رئاب به عنوان اعتبار معیار انبات لحم را پررنگ ساخته، و ضمن پاسخ

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه و عضو مرکز پژوهشی مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی، قم، ایران؛
(نویسنده مسئول) javan30313@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه و عضو مرکز پژوهشی مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی، قم، ایران؛
mssn124000@gmail.com

به اشکالات سه‌گانه آن، به برخی امور مخفی مانده از دید فقها در معیار رضاع نیز پرداخته است.

واژگان کلیدی: معیار رضاع شرعی، انبات لحم و اشتداد عظم، تقیه، آماره بر نشر حرمت.



مقدمه

محرمیت رضاعی دارای آثار و احکام مهمی است. شرط تحقق محرمیت رضاعی و ترتب آثار آن، وجود ملاک شرعی رضاع است؛ چراکه شارع مقدس، هر رضاعی را به عنوان محرم و دارای اثر شرعی نمی‌داند. در این ملاک، میان فقها اختلاف بوده و سه یا چهار قول اصلی مطرح است. گرچه در تحقق ملاک رضاع شرعی، وجوه متعددی مانند کمیت فقط، تحقق اثر فقط، یوم و لیلة فقط، اصل بودن اثر و اماره بودن کمیت و بالعکس و یا دو مورد از این سه مورد، قابل تصور است.

مسئله رضاع محرم، از ابتدای فقه شیعه مطرح بوده است و فقهای عظام متقدم، یا به ذکر نظر خود بدون استدلال بسنده می‌کردند (حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۵) و یا پس از ذکر نظر خود، بدون بحث از سایر روایات، فقط روایت دال بر آن را نقل می‌کردند (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ص ۳۳۰). ظاهراً آغازگر بحث فقهی ملاک رضاع محرم به نحو کوتاه، شیخ در خلاف (۱۴۰۷ الف، ج ۵، ص ۹۵-۹۸) است و پس از او، فقهای بسیاری با استناد به روایات، به بحث مختصر در معیار رضاع پرداختند (انصاری دزفولی، ۱۴۱۱، ص ۳۶۵-۳۷۱ و آخوند خراسانی، ۱۴۱۳، ص ۹-۱۳). همچنین آیت الله خویی (۱۴۱۷، ص ۹۹-۱۳۹) بحث نیمه مفصلی از معیار رضاع مطرح کرده است. مفصل‌ترین بحث نیز تحقیق آیت الله شبیری زنجانی (۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۴۶۳۵-۴۸۰۴) است که البته بیشتر به نقد و بررسی اقوال پرداخته و تعلیل روایت ابن رثاب و شاهد جمع روایت محمد بن مسلم را بحث نکرده است.

در این میان، پژوهش قابل توجهی نوشته نشده و عمده مقالات و رساله‌ها، ناظر به بیان اقوال و مقایسه دیدگاه‌های فقه امامیه و اهل تسنن بوده است.^۱ برخی نیز بیشتر از جهات حقوقی به مبحث معیار رضاع شرعی ورود داشته‌اند.^۲ این امر، اهمیت تعیین

۱. مانند مقاله «مطالعه تطبیقی شرایط نشر حرمت ناشی از رضاع در فقه امامیه و فقه اهل سنت» (مقاله علمی وزارت علوم)، علی اکبر ربیعی و احمد صابری مجد، دوفصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲، شماره ۵۹.

۲. مانند بدیع تبریزی، محمد، «در شرایط حرمت رضاع»، مجله مجموعه حقوقی، ۲۸ آذر ۱۳۱۸، ش ۱۳۴.

دقیق معیار رضاع محرّم را دوچندان می‌کند. در این مقاله، مراد از واژه «انبات»، رویش گوشت و افزایش خون و محکم شدن استخوان نوزاد^۱ و مراد از «زمان»، یک شبانه‌روز کامل (۲۴ ساعت) است.

۱. تکوینی بودن رضاع شرعی و معیارهای دالّ بر آن

به نظر می‌رسد هریک از تکوینی و یا تشریحی بودن معیارهای رضاع شرعی، در موضوع تحقیق اثرگذار است، این اثرگذاری، از ادامه مطالب روشن می‌شود. از همین جهت قبل از ورود به اقوال در معیار رضاع شرعی و ادله آنها، اشاره‌ای مختصر به این مهم می‌شود. شکی نیست اصل حکم به نشر حرمت رضاعی، امری تعبدی است؛ یعنی شارع مقدس بندگان خویش را در فرض تحقق معیارهایی، به رعایت این حریم تعبد فرموده است. اما می‌توان ادعا کرد معیارهای بیان شده در تحقق موضوع این حکم شرعی، اموری تکوینی هستند. شواهدی بر این ادعا وجود دارد، اما قبل از بیان شواهد، ثمره هریک از این دو احتمال ذکر می‌گردد:

اگر مواردی که در روایات آمده است (مانند انبات لحم، پانزده رضعه و یا ده رضعه با شروط آن و شبانه‌روز کامل)، اموری تکوینی دانسته شود که موجب نشر حرمت شرعی می‌گردند، به طور طبیعی نباید میان آنها فاصله زیادی تصویر شود؛ زیرا تفاوت زیاد، منجر به تهافت و ناسازگاری خواهد شد. توضیح اینکه اگر انباتی که نزد عرف عام و نه متخصصین محسوس است، یکی از معیارهای تکوینی دانسته شود، آنگاه نمی‌توان پذیرفت که معیار دیگری مانند شیر خوردن شبانه‌روز، به عنوان عدل آن و یا کاشف از آن بوده باشد؛ زیرا بدیهی است تحقق چنین انبات لحمی، به بازه زمانی یک هفته و یا بیشتر از آن نیاز دارد و در این صورت واضح است که شیر خوردن یک شبانه‌روز، هیچ‌گاه در عرض و یا کاشف از آن نخواهد بود. اما اگر این امور، تعبدی دانسته شود، تفاوت فاحش آن قابل توجیه است؛ زیرا امور تعبدی و توقیفی، اموری هستند که فلسفه

۱. ر.ک: شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۰۲ - ۳۰۳.

و ملاک جعل آنها برای ما روشن نیست و لذا قابل پذیرش است. همان طور که اگر انبات، تکوینی با تشخیص متخصص معیار باشد می تواند در عرض پانزده رضعه و مانند آن قرار گیرد. بنابراین، تشخیص تکوینی یا تعبدی بودن معیارها می تواند در تعیین حدود آنها اثرگذار باشد.

۲. شواهد قابل اقامه بر تکوینی بودن معیارهای تحقق رضاع

یکم: در برخی روایات باب رضاع چنین آمده است که بعد از بیان انبات به عنوان محقق موضوع رضاع شرعی، راوی سؤال می پرسد که آیا چنین انباتی به یک مرتبه و یا دو مرتبه شیر خوردن حاصل می شود یا خیر؟ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۳۸، ح ۲، موثقه عبید). چنین سؤالی بیانگر این است که در ارتکاز سائل و راوی، قطعاً انبات به تشخیص عرف عام ملاک نبوده است و الا بدیهی است که با یک یا دو مرتبه شیر خوردن و حتی ده مرتبه و پانزده مرتبه، انبات به تشخیص عرف عام حاصل نمی شود و این دیگر جای سؤال نداشته است. بنابراین باید گفت که انبات دقّی به تشخیص عرف خاص، مد نظر بوده است و این مطلب بیانگر نزدیک بودن معیارهای انبات و شبانه روز کامل و... به یکدیگر است که با تکوینی بودن آنها سازگارتر است.

دوم: مطابق مفاد موثقه عبید، معصوم علیه السلام انبات را به عنوان کمترین حدّ رضاع بیان فرموده است. از طرفی در موثقه زیاد بن سوقه، رضاع شبانه روز و پانزده رضعه، کمترین حد رضاع دانسته شده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۵، ح ۱۲). روشن است که تناسب کامل این روایات و برابری انبات با پانزده مرتبه یا شبانه روز کامل، مقتضی آن است که این موارد، اموری تکوینی دانسته شود تا مقدار آنها نزدیک به یکدیگر قرار گیرد و طبعاً انبات دقّی مد نظر خواهد بود.

سوم: دیدگاه برخی از فقها (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۱۳ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۷۶) مبنی بر اشتراط فهم متخصص در تحقق انبات لحم نیز گویای این است که نزد ایشان این موارد به عنوان اموری تکوینی دانسته شده است.

چهارم: لزوم صدق عرفی «امّ» رضاعی که برگرفته از آیه شریفه «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ ... وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ» است با تکوینی بودن رضاع سازگارتر است؛ چراکه با تعداد دفعات کم و بدون رویش لحم، صدق عرفی امّ رضاعی محرز نیست.

۳. اقوال در معیار رضاع و ادله آن

گذشت که در معیار رضاع، بین فقها اختلاف وجود دارد: شیر خوردن ده یا پانزده وعده، یک شبانه‌روز، تحقق انبات لحم و اشتداد عظم و کفایت هریک از ده وعده، پانزده وعده و انبات لحم و اشتداد عظم. عموم فقها دو یا چند عنوان از این عناوین را به نحو خصال متعدد، موجب محرّمیت رضاعی دانسته‌اند که در ادامه به ذکر این اقوال و بررسی و تحقیق در آنها پرداخته می‌شود.

۱- ۳. معیار اول: انبات لحم و اشتداد عظم

نظر برخی آن است که انبات و اشتداد، تنها معیار دانسته شود و عدد و زمان خاص، اماره بر آن قرار داده شود. ابتدا برخی از قائلین به این مدعا و سپس ادله آنان ذکر می‌شود: می‌توان به شیخ کلینی، معیار انبات و اماره بودن ده رضعه را نسبت داد؛ چراکه ذیل باب «حَدِّ الرَّضَاعِ الَّذِي يُحْرِمُ»، ده روایت نقل کرده است که اکثر آنها ظهور در معیار بودن انبات و اشتداد دارد و در کنار این روایات، موثقه عیبدن زراره (حدیث ۲) را آورده که با مفهومش دلالت بر این می‌کند که ده رضعه، اماره انبات و اشتداد است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۳۸).^۱ حرّ عاملی در کتاب هدایه (۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۶۸)، انبات را معیار، و تنها پانزده رضعه را اماره بر آن قرار داده است.^۲ و شیخ صدوق (۱۴۱۵، ص ۳۳۰)، شیخ انصاری (۱۴۱۱، ص ۱)، کافی کتاب فتوای شیخ کلینی است؛ همان طور که خود در مقدمه کافی بیان داشته است (۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸). وی در بین کلامش فرموده است: «بأخذ منه من يريده علم الدين والعمل به بالأثار الصحيحة عن الصادقين عليهم السلام والسنن القائمة التي عليها العمل، و بها يؤدّي فرض الله عزّ وجلّ وسنة نبيه صلى الله عليه وآله» و همان طور که شبیری زنجانی (۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۲۹ و ج ۷، ص ۲۲۶۴) روایات کافی را مورد عمل شیخ کلینی می‌داند.

۲. اما در کتاب وسائل، انبات، یوم و لیلة و پانزده وعده را در عرض هم، معیار قرار داده است؛ بدین بیان که شیخ حرّ نظرش را در عنوان باب می‌آورد. اینجا باب ۲ را ثبوت تحریم با یک شبانه‌روز یا پانزده بار با

ص ۳۰۳ و ۳۱۲) و از معاصرین نیز علامه شعرانی^۱ بر پانزده رضعه، اماریت زمان شبانه روز را نیز اضافه نموده‌اند. برخی فقها مانند حلبی (۱۴۰۳، ص ۲۸۵) و ابن زهره (۱۴۱۷، ص ۳۳۶)، انبات را معیار قرار داده و رضاع شبانه روز و نیز ده رضعه همراه شیر شدن و سایر شرایط را آماره بر آن دانسته‌اند.

ممکن است اشکال شود که تحقق اثر نمی‌تواند معیار رضاع شرعی باشد؛ چراکه کیفی و غیر قابل سنجش است. در جواب باید گفت همین که انبات و اشتداد، عرفاً صدق کند و رویش گوشت و استخوان محسوس باشد کافی است و این گونه معیار، کمی است. اما لازمه معیار کمی، دقیق بودن آن نیست و در موارد بسیاری شارع، معیار دقیق کمی قرار نداده است؛ مانند قدر کربه و جب، حد ترخص به نشنیدن اذان و ندیدن جدران، مسافت موجب قصر به هشت فرسخ یا مسیره یوم و مانند آن. البته برخی فقها (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۱۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۱۳ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۷۶) فهم متخصص را شرط دانسته‌اند و بدیهی است با تشخیص متخصص، اثر انبات و اشتداد زودتر ثابت می‌شود. بر فرض تحقق اثر، کیفی هم باشد، مانعی نیست و کیفی بودن معیار شرعی، نظیر نیز دارد؛ همچون حق نفقه که شأن زوجه، معیار کیفی آن است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۵۵ - ۴۵۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۱۹ - ۱۲۰ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۲) و در زمان‌های مختلف، قابل تغییر است. به عبارت دیگر، کیفی بودن یک حق، منافات با ضابطه مندی آن ندارد؛ ضوابطی که خود در گذر زمان توسط عقلا تغییر می‌کنند.

دلیل اعتبار انبات

دلیل اصلی اعتبار انبات، تعلیل در صحیح‌ه علی بن رئاب است: «و یاسناده عن

شروطش نامیده است: «بَابُ ثُبُوتِ التَّخْرِيمِ فِي الرِّضَاعِ بِرِضَاعِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ وَ بِمَسِّ عَشْرَةِ رَضَعَاتٍ بِشُرُوطِهَا لَا بِمَا نَقَصَ عَنْ ذَلِكَ». همچنین باب ۳ را عدم تحقق رضاع بدون انبات نامیده: «بَابُ أَنَّهُ لَا يَنْشُرُ الْحُرْمَةَ مِنَ الرِّضَاعِ إِلَّا مَا أَثَبَّتِ اللَّحْمَ وَ شَدَّ الْعَظْمَ» (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۷۴).

۱. در حاشیه وافی مدعی این نظر شده است. فیض کاشانی (۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۲۳۱، باب حد الرضاع، ح ۱) موضوع تحریم را انبات لحم، و عدد پانزده و زمان را طریق و حد آن دانسته است. سپس آن را دارای نظایری در شرع دانسته و مثالی ملاکیت سُکر و طریقت غلیان را ذکر کرده است.

الحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ مَا يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ قَالَ: مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَشَدَّ الْعَظْمَ. قُلْتُ فَيَحْرِمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ؟ قَالَ لَا؛ لِأَنَّهُ لَا تُنْبِتُ اللَّحْمَ وَلَا تُشَدُّ الْعَظْمَ عَشْرُ رَضَعَاتٍ» (حرر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۷۴، باب ۲، ح ۲). تعلیلی که بر فرض صحت، بر سایر ادله سایه افکنده است و تعمیم آن موجب انحصار معیار در انبات می‌گردد.^۱

نقد ملاک بودن اثر انبات و پاسخ آن

اول آنکه ممکن است گفته شود روایت عبید بن زراره، معیار بودن تحقق اثر انبات را رد می‌کند: «عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرِّضَاعِ أَذْنَىٰ مَا يَحْرِمُ مِنْهُ قَالَ مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَالِدَّمَ ثُمَّ قَالَ تَرَىٰ وَاحِدَةً تُنْبِتُهُ فَقُلْتُ أَسْأَلُكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ اثْنَتَانِ فَقَالَ لَا وَ لَمْ أَزَلْ أَعِدُّ عَلَيْهِ حَتَّىٰ بَلَغَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، باب حد الرضاع، ص ۴۳۸، ح ۳). چراکه در این روایت، حضرت ابتدائاً ملاک اثر را بیان فرمودند و در ادامه، خود ایشان سائل را به سمت عدد سوق دادند؛ درحالی که تحقق اثر انبات، اگر ملاکی باشد که به عنوان معیار تشخیص عرفی به مکلفین القاء شده است، لزومی ندارد که حضرت، خود بحث عدد را مطرح نمایند. همچنین طبق این روایت، اگر سائل حتی در کمتر از عدد ده به تشخیص عرفی خود، انبات لحم و اشتداد عظم را محقق بداند، نمی‌تواند نشر حرمت را ثابت بداند و باید منتظر تکمیل عدد ده باشد.

در نقد این سخن باید گفت: در روایت عبید بن زراره، حضرت عليه السلام بنا بر سوق به عدد نداشته است. عدد را مطرح نمود، چون فضای رایج (عامه)، عدد قلیل بوده و حضرت در مقام نفی آن عدد برآمده است. در مورد عدد کمتر از ده نیز عدم محرمیت، طبق این روایت و موافق با استصحاب است.

دوم آنکه ممکن است اشکال شود اگر تحقق اثر اشتداد و انبات، معیار رضاع شرعی قرار گرفته شده باشد، نمی‌توان بدان ملتزم شد؛ چراکه قابل فهم عرف نیست. درحالی که احکام شرعی به عرف القاشده‌اند و معنا ندارد شارع مقدس امر مبهمی را از عرف بخواهد.

۱. در عبارت «الرضاع لحمه كلحمة النسب»، لحمه به معنی قرابت است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۲۷؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۵)؛ بنابراین إشعار به معیار بودن انبات ندارد.

در جواب گوییم علاوه بر اینکه شمارش ده و پانزده نیز برای عرف آسان نیست و گاهی دچار فراموشی یا وسواس می شوند، اصل قابل فهم نبودن تحقق اثر، قابل مناقشه است؛ چراکه اشتداد عظم و انبات لحم مشکک است، اما قدر متیقن از آن را عرف درک می کند. همچنین انبات با اندازه گیری قد و وزن نیز محقق می شود. همین که عرف بگوید مثلاً صد گرم اضافه شده یا یک سانتیمتر بزرگ شده است، یعنی انبات به عبارت دیگر، خود مستشکل نیز معترف است که اثر اشتداد و انبات، پس از مثلاً یک هفته، قطعی و کاملاً قابل درک عرف است و پس از بخشی از روز، چنین اثری قابل درک نیست و همین کافی است تا تحقق اثر را قابل فهم عرفی بدانیم. رجوع به متخصص نیز انبات و اشتداد را ثابت می کند. در زمان صدور روایات نیز غالب مصادیق بدین شکل بوده است که دایه اجیر می شد و مدتی شیر می داد و در حدی بود که اثر ظاهر شود و شاهدش همان روایت مخبوره است.

سوم ادعای دلیل بر نفی اعتبار انبات، روایت علی بن مهزیار است: «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنِ الَّذِي يُحْرِمُ مِنَ الرِّضَاعِ فَكَتَبَ عليه السلام قَلِيلُهُ وَ كَثِيرُهُ حَرَامٌ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۷، ح ۱۶) که ظاهر در نفی اشتراط کمیت و اثر است. علاوه بر اینکه مکاتبه است و احتمال تقیه در آن زیاد است، معارض نیز دارد. وجه تقیه بدین قرار است که حضرت عليه السلام در جواب سؤال از رضاع محرم نوشته اند: رضاع کم و زیاد، حرام است که می تواند به معنای ممنوع باشد! یعنی نباید زنی، نوزاد غیر خود را شیر دهد^۱ و این جواب، اعم از نشر حرمت است، پس با تقیه سازگار است. به هر حال مدلول این روایت، یا توضیح موضوع رضاع است و بیان

۱. «الحاء و الراء و الميم أصل واحد، وهو المنع و التشديد. فالحرام: ضد الحلال» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۵). اما منع

در این روایت از مطلق شیر دادن، با توجه به سایر ادله مجوزه، حمل بر کراهت می شود.

۲. روایاتی با همین مضمون وجود دارد؛ مانند روایت سکونی: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام اَهُؤُا نِسَاءَكُمْ أَنْ يُرِضَعْنَ يَمِيناً وَ شِمَالاً فَإِنَّهُنَّ يَنْسَبْنَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵،

ص ۴۴۶، ح ۱۴).

عشرة رضعات متواليات من امرأة واحدة من لبنٍ فحلٍ واحدٍ لم يفصل بينها رضعة امرأة غيرها الخ»
(طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۵، ح ۱۲).^۱

جمع بندی: روایت مثبتة مقید به وجود شرایط رضاع، روایت مثبتة مطلقه را قید می‌زند، همان طور که نافی مطلق را به نبود شرایط توالی و وحدت مرضعه، مقید می‌کند. نهی از پانزده رضعه نیز به عدم توالی و عدم وحدت و یا پرسش انکاری حمل می‌شود.^۲ به عبارت دیگر، تروی و نوم در پانزده رضعه شرط نیست؛ زیرا در موثقه زیادبن سوقة، در مقام بیان شروط پانزده رضعه، به تروی و نوم اشاره نشده است.

۳ - ۳. معیار سوم: ده وعده شیر خوردن

ظاهراً تنها فقهی که معیار ده وعده شیر را به نحو منحصر پذیرفته، سلار دیلمی در المراسم (۱۴۰۴، ص ۱۴۹) است. وی در تحقق رضاع شرعی، فقط به معیار ده رضعه اشاره کرده است که می‌تواند بیانگر دیدگاه وی در ادعای این معیار باشد؛ هرچند برای این ادعا به دلیلی اشاره نکرده است. عده‌ای از فقها، ده وعده شیر را قبول دارند، اما در عرض انبات و مانند آن (رک: کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۱۵ - ۲۱۶). برخی روایات می‌توانند به عنوان مستندی بر ده رضعه مطرح شود که مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) موثقه عبید بن زراره: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّضَاعِ مَا أَذْنَى مَا يُحْرِمُ مِنْهُ قَالَ مَا أَثْبَتَ اللَّحْمَ أَوْ الدَّمَ ثُمَّ قَالَ تَرَى وَاحِدَةً تُنَبِّئُكَ؟ فَقُلْتُ أَتَنْتَانِ أَصْلَحَكَ اللَّهُ؟ قَالَ لَا. فَلَمْ أَرُلْ أَعْدُ عَلَيْهِ حَتَّى بَلَغَتْ عَشْرَ رَضَعَاتٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۳۸، ح ۲). همه روایات حدیث، توثیق دارند. فقط حسن بن علی بن فضال، مدتی فطحی بوده، اما مورد اعتماد (طوسی، ۱۴۲۷، ص ۳۵۴) و طبق مبنایی از اصحاب اجماع است (کشکی، ۱۴۰۹، ص ۵۵۶).

۱. نحوه دلالت آن است که عدد در مقام تحدید مفهوم دارد.

۲. بدین بیان که حضرت عليه السلام با حالت انکاری پرسیده است: آیا پانزده رضعه، محرم نیست؟ یعنی پانزده رضعه چطور می‌تواند محرم نباشد؟

استدلال بر ده رضعه نیز بر اساس ذیل روایت است که حضرت در پاسخ سؤال، کمترین میزان شیر در تحقق محرمیت نسبت به بیان دفعات لازم جهت تحقق رضاع شرعی، تا عدد ده را قبول نکردند و پس از ذکر عدد ده، بر اساس ظاهر حال یا بیان لفظی که در نقل راوی نیامده است، کفایت این تعداد را تأیید فرمودند.

ب) صحیحہ فضیل: شیخ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَرِيْزِ بْنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا يُحَرِّمُ مِنَ الرِّضَاعِ إِلَّا الْمَجْبُورَةَ أَوْ خَادِمًا أَوْ ظَنَّتْ قَدْ رَضِعَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ يَزْوَى الصَّبِيُّ وَيَنَامُ؛ شِيرِ دَادِن حَرَمَت نَمِيْ أورد مگر توسط زنی که شیر دادن بر او الزامی است (به نحو اجیر و مانند آن) یا کنیز یا دایه نوزاد ده وعده شیر دهند به شکلی که در هر بار، نوزاد سیر شود و بخوابد» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۶، ح ۱۳).

در سند روایت محل بحث، تنها محمد بن سنان محل مناقشه قرار گرفته است که طبق تحقیق باید وی را ثقه دانست.^۱ اجلاء از او اکثراً روایت دارند مانند حسین بن سعید (بیش از ۱۰۰ حدیث)، احمد بن محمد بن خالد (بیش از ۱۳۵ حدیث)، محمد بن حسین بن ابی الخطاب (بیش از ۷۰ حدیث) و احمد بن محمد بن عیسی (بیش از ۲۵۰ حدیث) که طبعاً شیخ آنان بوده است. همچنین بزرگانی مانند یونس بن عبدالرحمن (حدود ۲۰ حدیث)، یعقوب بن یزید (حدود ۱۵ حدیث)، محمد بن عبدالجبار (نزدیک به ۱۰ حدیث)، ایوب بن نوح و محمد بن اسماعیل بن بزیع، روایات متعددی از او نقل کرده‌اند. لازم به ذکر است صفوان که جز از ثقه نقل نمی‌کند، از او روایت در احکام واجب دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۵۲، ح ۲۴۳۵۱ و ج ۲۴، ص ۳۶۵، ح ۳۰۷۹۰).

البته روایت دیگری با همین مضمون و بدون ذکر ده رضعه از فضیل نقل شده که مطنوناً با این روایت، متحد است و بدین جهت وجود قید ده رضعه در روایت را مخدوش می‌سازد:

۱. چنین بحثی در این تحقیق نمی‌گنجد (ر.ک: کلباسی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۵۸۹-۶۹۲).

«عنه عن أيوب بن نوح عن حريز عن الفضيل بن يسار عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: لا يحرم من الرضاع إلا ما كان مخبوراً فقلتُ وما المخبور؟ قال أمٌ مربيةٌ أو أمٌ تربي أو ظئرٌ تستأجر أو خادمٌ تُشترى أو ما كان مثل ذلك مؤفوفاً عليه» (همان، ج ۲۰، ص ۳۷۶، ح ۷). این روایت، شرط توالی در رضاع را گوشزد کرده است. به هر حال، حتی احتمال اتحاد دو حدیث و نبود «عشر رضعات» در حدیث دوم، استدلال به آن را خدشه دار می‌کند.

ممکن است گفته شود: دلالت روایت بر اعتبار ده رضعه از طریق بیان حصر است؛ اما همان طور که خواهد آمد، تمامی عناوین ده و پانزده رضعه، یوم و ليله، و انبات، دارای روایت دال بر حصر هستند!

فارغ از عدم دلالت بر ده رضعه، این روایت، ظاهر در «وعده کامل خوردن شیر» است که از یرووی و ینام برداشت می‌شود؛ چراکه یرووی و ینام، جمله حالیه و قید محرمیت رضاع است. شیخ نیز یرووی و ینام را توضیح رضعات دانسته است؛ چراکه در تمامی معیارها، نزد شیعه، سیر شدن شرط است و چند بار مکیدن کافی نیست (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۶، ح ۱۳). در علم روز نیز مشهور است که بیشترین رشد نوزاد و کودک، در حال خواب اوست. حلبی، روایت را ظاهر در ده وعده کامل متوالی دانسته (۱۴۰۳، ص ۲۸۵)^۱ و ابن زهره نیز عدم اعتنا به خصوصیت مخبوره و خادم و ظئر را بدون اختلاف به فقها نسبت داده است (۱۴۱۷، ص ۳۳۶).

ج) صحیحہ عمر بن یزید و موثقہ مسعدة بن صدقة: «الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن علي بن فضال عن عبد الله بن سنان عن عمر بن يزيد قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الغلام يرضع الرضعة و الرضعتين فقال لا يحرم فعددت عليه حتى أكلت عشر رضعات فقال إذا كانت متفرقة فلا»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۳۹، ح ۸). صحیحہ عمر بن یزید، یکی دیگر از روایات ده رضعه است که با موثقہ عبید شباهت دارد و فرموده است که رضاع

۱. «أن يكون مما ينبت اللحم و يقوي العظم بكونه يوماً و ليلة أو عشر رضعات متواليات كل منها تملأ البطن لا يفصل بينها برضاع امرأة أخرى».

۲. در بعضی نسخه‌های کافی، عبارت «فلا» وجود ندارد (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۸۷۳).

شرعی با کمتر از ده رضعه محقق نمی‌شود و ده رضعه متفرق نیز محرمیت نمی‌آورد؛ بنابراین، مفهوم شرط در این روایت، دال بر کفایت ده وعده شیر با شرط توالی است. همچنین موثقه مسعدة بن صدقة: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا يُحْرِمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا شَدَّ الْعَظْمَ وَأَنْبَتَ اللَّحْمَ وَأَمَّا الرَّضْعَةُ وَالرُّضَعَتَانِ وَالثَّلَاثُ حَتَّى يَبْلُغَ عَشْرًا إِذَا كُنَّ مُتَفَرِّقَاتٍ فَلَا بَأْسَ» (همان، ص ۴۳۹ - ۴۰، ح ۱۰). همین مضمون را صحیح‌ه مسعدة بن زیاد دارد: «رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادِ الْعُبَيْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا يُحْرِمُ الرَّضَاعُ إِلَّا مَا شَدَّ الْعَظْمَ وَأَنْبَتَ اللَّحْمَ فَأَمَّا الرَّضْعَةُ وَالثُّنْتَانِ وَالثَّلَاثُ حَتَّى بَلَغَ الْعَشْرَ إِذَا كُنَّ مُتَفَرِّقَاتٍ فَلَا بَأْسَ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۱۴، ح ۱۱).

نقد روایات معیار ده رضعه

یک - حمل بر تقیه

روایاتی که برای ده رضعه خصوصیت قائل شده، از باب تقیه است. شیخ طوسی (۱۴۰۷ الف، ج ۵، ص ۹۶) اقوال اهل تسنن را عدد پنج، سه و حتی یک قطره برمی‌شمرد^۱. البته تقیه رایج این است که حضرت، مطلق رضعه را محرّم بدانند کما اینکه در روایت دیگری همین حکم را فرموده است، اما چون فضای اهل سنت در رضاع، ملتهب و متشّتت، و نظر عایشه هم ده رضعه بوده است (ر.ک: حلی، ۱۴۱۴، ص ۶۲۰)^۲ حضرت نیازی به تقیه نسبت به عدد یک و سه ندیدند و با نفی کمتر از ده رضعه، اشاره (و نه تصریح) کردند به وحدت نظر خود با یکی از نظرات اهل تسنن. درعین حال، نظر شیعه

۱. اگر اشکال شود چگونه با توجه به اینکه امام علیه السلام نفی عدد یک و سه می‌کند که ضد تقیه است شما آن را حمل بر تقیه می‌کنید؟ گوئیم حضرت علیه السلام نسبت به عدد یک و سه تقیه نکردند، اما نسبت به عدد ده تقیه کردند تا در فضای اختلاف بین خود اهل سنت، نظر شیعه را مطابق یکی از نظرات آنان (ده بار) قرار دهند. شاهد، روایت عبید بن زراره است و اینکه فضای اهل سنت در رضاع، متشّتت بوده است.

۲. علامه فرموده است: «روی عن حفصه و عائشة انهما قالتا لا تحرم دون عشر رضعات». البته خود علامه در ادامه، روایت عایشه را به دلیل تهافت در آن، قابل احتجاج نمی‌داند؛ زیرا هم ده رضعه را معتبر دانسته است و هم پنج رضعه را.

را هم معین نساختند تا شیعه در فشار قرار نگیرد. چه بسا اینکه در روایات، عدد رضاع را زیاد پرسیده‌اند می‌تواند تحت الشعاع بودن نظر غالب باشد که از اهل تسنن و عدد یسیر است.

از طرفی صحیح‌ه عبید بن زراره: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ كَبِيرٍ فَرُبَّمَا كَانَ الْفَرْحُ وَالْحَزَنُ الَّذِي يَجْتَمِعُ فِيهِ الرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ فَرُبَّمَا اسْتَحْيَتِ الْمَرْأَةُ أَنْ تَكْشِفَ رَأْسَهَا عِنْدَ الرَّجُلِ الَّذِي بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ الرِّضَاعُ وَرُبَّمَا اسْتَحَفَّ الرَّجُلُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى ذَلِكَ فَمَا الَّذِي يُحَرِّمُ مِنَ الرِّضَاعِ فَقَالَ مَا أَنْبَتِ اللَّحْمَ وَاللَّحْمَ فَقُلْتُ وَمَا الَّذِي يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَاللَّحْمَ فَقَالَ كَانَ يُقَالُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ قُلْتُ فَهَلْ يُحَرِّمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ فَقَالَ دَعْ ذَا وَقَالَ مَا يُحَرِّمُ مِنَ النَّسَبِ فَهُوَ مَا يُحَرِّمُ مِنَ الرِّضَاعِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۳۹، ح ۹). این صحیح‌ه، در تقیه‌ای بودن عدد ده رضعه^۱ جایی برای شک باقی نمی‌گذارد؛ چراکه حضرت در آن، ابتدا با عبارت «کان یقال عشر رضعات» و سپس با عبارت «دع ذا» در جواب سؤال از عدد ده، فضای تقیه را ثابت و راوی را منصرف می‌سازد؛ همان طور که عده‌ای از فقها، به تقیه‌ای بودن عدد ده اذعان کرده‌اند.

دو - نفی معلل ده رضعه

صحیح‌ه معلل علی بن رئاب به صراحت محرمیت عدد عشر را نفی کرده است: «وَأَبِئْسَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ مَا يُحَرِّمُ مِنَ الرِّضَاعِ قَالَ: مَا أَنْبَتِ اللَّحْمَ وَشَدَّ الْعَظْمَ. قُلْتُ فَيُحَرِّمُ عَشْرَ رَضَعَاتٍ؟ قَالَ لَا؛ لِأَنَّهُ لَا تُنْبِتُ اللَّحْمَ وَلَا تُشَدُّ الْعَظْمَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۷۴، ح ۲). در این روایت، حضرت علت

۱. خود اضطراب و اختلاف شدید اهل عامه در مسئله‌ای مثل ملاک رضاع، مجوز تقیه به عددی است که شاید قائل هم بین آنها نداشته باشد و صاحب وسائل (۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۷۹) همین نکته را در بیان تقیه مطرح نموده است. علاوه بر اینکه با بررسی اقوال عامه، شاید قولی بر ده رضعه جز عایشه پیدا نکنیم. اما حضرت تصریح بر «کان یقال عشر رضعات» دارند که از این مورد و موارد مشابه برداشت می‌کنیم که نباید همیشه ملاک تقیه را فقط مخالفت با اقوال رایج یا مذکور اهل تسنن بدانیم و در واقع مثلاً اینجا خود روایت عبید بن زراره سندی بر وجود قول به ده رضعه در بین عامه است و لو در کتب رایج اهل تسنن ذکر نشده باشد.

محرم نبودن ده وعده را این مطلب دانسته است که ده وعده شیر خوردن، گوشت نمی‌رویاند و استخوان را محکم نمی‌سازد.

ممکن است گفته شود تعلیل، فقط اطلاق عشر رضعات را نفی کرده است. بنابراین با ده رضعه متوالی منافات ندارد؛ درحالی‌که قید توالی در تمامی معیارها وجود دارد و فقط برای عشر رضعات ذکر نشده است و آن قدر دخیل در رضاع شرعی است که قید توضیحی است. در چنین حالی، تعلیل نیز نافی ده رضعه متوالی و ناظر به آن خواهد بود.

همچنین در جای خود بحث شده که العلة تعمّم و لا تخصّص؛ بنابراین در این روایت، انبات، علت تامه حرمت رضاعی قرار گرفته است، نه علت منحصره. یعنی منافات ندارد با اینکه مثلاً عدد پانزده، ناشر حرمت باشد. از طرفی نفی عشر، به طریق اولی، نفی کمتر از عشر را نیز شامل است. به عبارت دیگر، موضوع تعلیل «لأنّه لا تُنْبِتُ اللَّحْمَ وَلَا تُشَدُّ الْعَظْمَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ»، ده رضعه و کمتر از آن بوده و استصحاب هم موافق عدم محرمیت است.

سه - نفی مطلق ده رضعه

صحیح‌ه دوم عبید بن زراره، محرمیت ده رضعه را کاملاً نفی کرده است: «عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَبِيدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ لَا يُحْرِمَنَّ شَيْئًا» (طوسی، ۱۴۰۷ ب، ج ۷، ص ۳۱۳، باب ۲۷، ح ۷). همچنین موثقه ابن بکیر: «عَنْهُ عَنْ أَخُوَيْهِ عَنْ أَبِيهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ لَا تُحْرِمَنَّ» (همان، ص ۳۱۳-۳۱۴، ح ۸) و ظاهر اطلاق نفی، شامل ده رضعه متوالی با تروی نیز می‌شود.

دلیلی دیگر بر اعتبار ده رضعه و نقد آن

علامه حلی یکی از وجوه تقدم ده رضعه را احتیاط دانسته است (۱۴۱۳، ج ۷، ص ۱-۳۲) و چه بسا مراد ایشان از احتیاط، عدم ازدواج دخترى با پسر مرضعه باشد که

ده بار شیر خورده است؛ درحالی که احتیاط در رضاع، همچون تیغ دو لبه است. همان طور که مرحوم بحرانی بر کلام علامه، ایراد نقضی وارد ساخته که گاهی احتیاط در عدم نشر حرمت است؛ مانند جایی که نوزاد دختری را که ده رضعه خورده است عقد کند. در این صورت، ثبوت مهر و سایر احکام زوجیت، خلاف احتیاط است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۳۴۶). همچنین گرچه مراد علامه، احتیاط در فروج است، اما احتیاط منحصر به فروج نیست و پیشگیری از مفسد بزرگ، از موارد قطعی احتیاط نزد عرف است.

علامه در تبیین احتیاط، به روایت «ما اجتمع الحلال والحرام إلا غلب الحرام الحلال»^۱ تمسک کرده است و می فرماید: بین دو خبری که یکی دال بر حرمت است و دیگری حلیت، جانب حرمت را اخذ می کنیم. درحالی که این روایت، وجوه مختلفی دارد که از جمله آن، مصادیق و فعل حرام و حلال است. یعنی اگر شخصی هم کار حلال انجام می دهد هم حرام، مثلاً هم کسب روزی از راه حلال دارد هم حرام، به مرور در مورد او ایمان، ضعیف و حرام غالب خواهد شد. پس دال بر خبر دارای مضمون حرمت نیست.

جمع بندی روایات ده رضعه

نتیجه آن است که در عدد عشر، چهار دسته روایت وجود دارد: مثبتۀ مطلقه (موثقه عبید)؛ نافیۀ مطلقه (صحیحۀ علی بن رئاب، صحیحۀ دوم عبید بن زراره و موثقه عبدالله بن بکیر)؛ نافیۀ مقیده به تفرق رضعات (صحیحۀ عمر بن یزید، موثقه مسعدۀ بن صدقه و صحیحۀ مسعدۀ بن زیاد)؛ مثبتۀ مقیده به یروی و ینام (صحیحۀ فضیل بن یسار) که باتوجه به مفهوم حصر، می شود نافیۀ مقیده به عدم تروی و نوم.

در صحیحۀ علی بن رئاب نیز نفی عدد عشر به قول مطلق، مستند به عدم انبات است و امام علیه السلام فرموده: «ده رضعه، موجب انبات نیست»؛ و این اطلاق، شامل ده رضعۀ متوالی با تروی می شود. همچنین صحیحۀ علی بن رئاب پس از آنکه معیار بودن ده

۱. این روایت در کتب معتبر شیعه نیست (ر.ک: بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۲۷۵، و ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵،